

# برخیزید

## برخیزید ای هنرمندان راه خدا

محمدعلی روزهانی



از دشت کربلا هر زمان آید این پیام  
در راه عزت و افتخار و شرف قیام  
تا انسان تن رها سازد از بند بندگی  
عاشورا بر مجاهد دهد درس زندگی  
اشک است که از گونه‌های مردم پایین  
می‌گلتد. حالا زمان سخنرانی تاریخی مرد  
فرا رسیده است. این اولین سخنرانی برای  
جان‌های تشنه و قلب‌های داغ‌دیده پدران  
و مادران جوان از دست داده است. او  
سخنانش را آغاز می‌کند و ادامه می‌دهد  
تا سخن به سینما می‌رسد. سابقه سینما  
در ایران سابقه سیاهی است. عامه متدینین  
سینما را با فساد یکی می‌دانند. مرد اما در  
اولین سخنرانی‌اش نظر خود را محکم و  
استوار بیان می‌کند. او سینما را از مظاهر  
تمدن می‌شمرد و به اصلاح سینما امید

به وجد آمده‌اند، مرد اما همچنان عمیق و  
بی‌تغییر، به دوردست‌ها می‌نگرد. به مزار  
شهیدان می‌روند.  
باز سرودی دیگر:  
برخیزید برخیزید  
برخیزید ای شهیدان راه خدا  
ای کرده بهر احیای حق جان فدا  
کز قطره قطره خون پاک شما  
می‌روید تا ابد در وطن لاله‌ها  
برخیزید برخیزید  
در عالم مایه سرفرازی شهادت است  
پیش ما مرگ در راه ایمان سعادت است  
هر کس او در ره عدل و دین ره‌سپر شود  
در این ره گر دهد جان ز کف زنده‌تر  
شود  
برخیزید برخیزید

مرد نگاه ممتدی به آسمان می‌کند. هوایما  
بر آغوش میهن می‌نشیند. ضربان انقلاب،  
سرعت می‌گیرد و صدای تپش‌های آن  
تا دوردست‌ها در جهان شنیده می‌شود.  
نفس‌ها در سینه حبس شده است. مرد از  
پلکان هوایما که پایین می‌آید، تازه کار  
ستاد استقبال آغاز می‌شود. برنامه با تلاوت  
آیاتی چند از قرآن کریم با صوتی زیبا و  
لحنی دلنشین آغاز می‌شود. پس از آن  
گروه سرود دانش‌آموزی، سرود «خمینی  
ای امام» را در فرودگاه اجرا می‌کند. در  
میان شور و هیجان استقبال از رهبر،  
تولد مبارک آرام‌آرام و با درخششی  
بی‌نظیر در حال اتفاق افتادن است. هنر  
انقلاب اسلامی در آغازین ثانیه‌های ورود  
رهبر، متولد می‌شود. حالا همه جمعیت

دارد. قطعاً او نیز با سینما اگر مساوی با فحشا باشد، مخالف است:

«سینمای ما مرکز فحشاست. ما با سینما مخالف نیستیم، ما با مرکز فحشا مخالفیم. ما با رادیو مخالف نیستیم، ما با فحشا مخالفیم. ما با تلویزیون مخالف نیستیم، ما با آن چیزی که در خدمت اجانب برای عقب نگه داشتن جوانان ما و از دست

### ما با تلویزیون مخالف نیستیم، ما با آن چیزی که در خدمت اجانب برای عقب نگه داشتن جوانان ما و از دست دادن نیروی انسانی ماست، با آن مخالفیم. ما کی مخالفت کردیم با تجدد؟

دادن نیروی انسانی ماست، با آن مخالف هستیم. ما کی مخالفت کردیم با تجدد؟ با مراتب تجدد؟ مظاهر تجدد وقتی که از اروپا پایش را در شرق گذاشت - خصوصاً در ایران - مرکز [عظیمی] که باید از آن استفاده تمدن بکنند، ما را به توحش کشانده است. سینما یکی از مظاهر تمدن است که باید در خدمت این مردم، در خدمت تربیت این مردم باشد و شما می دانید که جوان‌های ما را این‌ها به تباهی کشیده‌اند و همین‌طور سایر این [مراکز]. ما با این‌ها در این جهات مخالف هستیم»<sup>۱</sup>

و این چنین است که هنر ناب برآمده از جان‌های دردمند یاران انقلاب، اولین صحنه‌های وصال امام و امت را در یادها جاودانه می‌کند. از این پس شوری عظیم در جان‌های فرزندان انقلابی امام پدید می‌آید و هر کس از دورترین روستاهای کشور تا بچه‌های پایتخت، در خلأ به وجود آمده از قهر فسیل‌های هنری دوران

طاغوت، طراوت و نشاط را به عرصه هنری انقلاب اسلامی باز می‌آورند. عرصه هنر، همچنان مبهم و احتیاط‌انگیز است. نیاز است پیر مراد انقلاب، قبله و جهت را باز نمایند. او هم فقه خوانده، هم فلسفه و هم عرفان. امام روح‌الله همچنان به افق‌های دور دست می‌نگرد و ابراز می‌دارد:

«در مسائل فرهنگی و برخورد با هنر به معنای اعم؛ چون عکاسی، نقاشی، مجسمه‌سازی، موسیقی، تئاتر، سینما، خوشنویسی و غیره؛ در حفظ محیط زیست و سالم‌سازی طبیعت و جلوگیری از قطع درخت‌ها حتی در منازل و املاک اشخاص، در مسائل اطعمه و اشربه، در جلوگیری از موالید در صورت ضرورت و یا تعیین فواصل در موالید، ... و مهم‌تر از همه این‌ها، ترسیم و تعیین حاکمیت ولایت فقیه در حکومت و جامعه که همه این‌ها گوشه‌ای از هزاران مسئله مورد ابتلای مردم و حکومت است که فقهای بزرگ در مورد آنها بحث کرده‌اند و نظراتشان با یکدیگر مختلف است و اگر بعضی از مسائل در زمان‌های گذشته مطرح نبوده است و یا موضوع نداشته است، فقها امروز باید برای آن فکری بنمایند...»<sup>۲</sup>

### سینما هم باید مسجد باشد

او تادللی شرعی یا عقلی بر تحریم چیزی نیابد، بدان حکم نمی‌کند؛ نه دچار افراط می‌شود که همه مظاهر دانش جدید را به یک چوب براند و نه اهل خودباختگی و انفعال است که با دیدن زرق و برق تکنولوژی‌های نو، رسالت انسان در برابر معبودش را از یاد ببرد. او فن‌آوری و مظاهر دانش جدید را نیز برای تربیت و تعالی انسان می‌خواهد. از این رو حکم می‌کند:

«تمام آثار تجدّد و تمدن در اسلام مجاز است، مگر آنهایی که فساد اخلاق

بیاورند، فساد عفت بیاورند. اسلام آن چیزهایی را که مخالف با مصالح ملت بوده است، آنها را نفی کرده. آنهایی که موافق با مصالح ملت است، آنها را اثبات کرده است. ما الآن این مظاهر تمدنی که در جاهای دیگر - در ممالک پیشرفته - از آنها استفاده‌های صحیح می‌شود، وقتی که آمده است در مملکت ما یا مملکت‌های شبیه به مملکت ما، استفاده‌هایی که از اینها می‌شود، استفاده‌های فاسد می‌شود؛ مثلاً سینما. ممکن است که کسی در سینما نمایش‌هایی که می‌دهد نمایش‌های اخلاقی باشد، نمایش‌های آموزنده باشد، که این را هیچ کس منع نکرده؛ و اما سینمایی که برای فساد اخلاق جوان‌های ماست و اگر چند روز جوان‌های ما در این سینماهایی که در این عصر متعارف بود و در زمان شاه متعارف است، اگر چند وقت یک جوان برود در آنجا فاسد بیرون می‌آید، دیگر به درد نمی‌خورد...»<sup>۳</sup>

او همچنان به هنرمندان نورسته انقلاب امیدوار است و هر از چندگاهی جهت را به آنها نشان می‌دهد تا راه را گم نکنند. او اهالی فرهنگ را چنین خطاب می‌کند: «رسانه‌های گروهی، به ویژه صدا و سیما، این مراکز آموزش و پرورش عمومی

### اسلام آن چیزهایی را که مخالف با مصالح ملت بوده است، آنها را نفی کرده. آنهایی که موافق با مصالح ملت است، آنها را اثبات کرده است.

می‌توانند خدمت‌های گرانمایه‌ای را به فرهنگ اسلام و ایران نمایند... در برنامه‌ها و نمایشنامه‌ها و انعکاس هنرها و انتخاب فیلم‌ها و هنرهای آموزنده باید همت گمارند و بیشتر کار کنند؛ و از گردانندگان و هنرمندان متعهد بخواهند تا در راه

تربیت صحیح و تهذیب جامعه، وضعیت تمام قشرها را در نظر گرفته و راه و روش زندگی شرافتمندانه و آزادمنشانه را با هنرها و نمایشنامه‌ها به ملت بیاموزد و از هنرهای بدآموز و مبتذل جلوگیری کنند»<sup>۴</sup>

امام ریشه مبارزه با فساد را به صدر اسلام بازمی‌گرداند؛ آن‌گاه که جمعی از منافقین، مسجد ضرار را برای مقابله با اسلام بنا کردند و رسول گرامی اسلام دستور نابود کردن آن لانه نفاق را صادر فرمودند. او اساس همه مخالفت‌های علمای اسلام با سینما را ابتدال و فساد حاکم بر سینمای پیش از انقلاب معرفی می‌کند و چنین می‌فرماید:

«اگر یک سینمای اخلاقی باشد و علمی باشد، چه کسی جلوی او را می‌گیرد؟ اما وقتی که ما می‌بینیم که مملکت ما از سینمایش گرفته تا مدرسه‌اش استعماری است؛ یعنی از خارج آوردند اینها را برای ما، تحفه‌هایی است که از آنجا آوردند برای فاسد کردن نسل جوان ما، همه چیزش را، اگر مسجد هم یک وقت این‌طور شد، ما در آن را می‌بندیم. اگر مسجدی شد که این مسجد دعوتش دعوت فاسد شد، پیغمبر اکرم خراب کرد «مسجد ضرار» را، مسجدی که درست کرده بودند در مقابل پیغمبر و تبلیغات می‌کردند بر ضد اخلاق و بر ضد امثال ذلک؛ پیغمبر داد خرابش کردند. اگر مسجدی باشد که مسجد ضرار باشد، مسجدی باشد که نتوانیم آن مسجد را اصلاحش کنیم، مسجدش [را] هم خراب می‌کنیم؛ نه این که سینمایش را. این که ما با سینما مخالفیم، با این نحو سینمایی که اینها دارند مخالفیم؛ نه با سینما اصلش باشیم. ما چی مخالفیم؟ چه کار داریم ما با سینما؟ اگر اخلاقی باشد، اگر آزادی باشد، اگر برای تربیت جوان‌های ما باشد، خوب این هم یک راه تربیت است...»<sup>۵</sup>

### مروارید هنر انقلاب اسلامی

هنرمندان متعهد انقلاب اسلامی پایه‌های دیگر اقشار ملت ایران، در صحنه‌های شگرف ایثار و شهادت، جانبازی کرده‌اند. آنان آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی را در هنری آسمانی بازتاب داده و ظریف‌ترین زوایای این انقلاب عظیم را به یاری ذوق باریک‌اندیش خویش ترسیم کرده‌اند. اینک در آخرین سال‌های حیات امام روح‌الله موسوی خمینی، نامه‌ای از ایشان جان‌های تشنه هنرمندان انقلاب اسلامی را تازه می‌کند و این پیام به قبله‌نمایی برای همه اهالی اقلیم هنر مبدل می‌شود. پیامی که تا مبارزه هست و تا ظلم و بی‌عدالتی در جهان باقیست، کهنه نمی‌شود و هنرمندان را به میدان مبارزه با طاغوت فرامی‌خواند. این پیام چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم.  
خون پاک صدها هنرمند فرزانه در جبهه‌های عشق و شهادت و شرف و عزت، سرمایه زوال‌ناپذیر آن‌گونه هنری است که باید به تناسب عظمت و زیبایی انقلاب اسلامی، همیشه مشام جان زیبا پسند طالبان جمال حق را معطر کند. تنها هنری مورد قبول قرآن است که صبیقل‌دهنده اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - اسلام ائمه هدی - علیهم السلام - اسلام فقرای دردمند، اسلام پابرهنگان، اسلام تازیان‌خورده‌گان تاریخ تلخ و شرم‌آور محرومیت‌ها باشد. هنری زیبا و پاک است که کوبنده سرمایه‌داری مدرن و کمونیسم خون‌آشام و نابودکننده اسلام رفاه و تجمل، اسلام التقاط، اسلام سازش و فرومایگی، اسلام مرفهین بی‌درد و در یک کلمه «اسلام آمریکایی» باشد ... هنر در مدرسه عشق نشان‌دهنده نقاط کور و مبهم معضلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی است. هنر در عرفان اسلامی ترسیم روشن عدالت و شرافت و انصاف و تجسیم تلخ‌کامی گرسنگان

مغضوب قدرت و پول است. هنر در جایگاه واقعی خود تصویر زالوصفتانی است که از مکیدن خون فرهنگ اصیل اسلامی، فرهنگ عدالت و صفا، لذت می‌برند. تنها به هنری باید پرداخت که راه ستیز با جهان‌خواران شرق و غرب و در رأس آنان آمریکا و شوروی را بیاموزد.

هنرمندان ما تنها زمانی می‌توانند بی‌دغدغه کوله‌بار مسئولیت و امانتشان را زمین بگذارند که مطمئن باشند مردمشان بدون اتکا به غیر، تنها و تنها در چهارچوب مکتبشان، به حیات جاویدان رسیده‌اند. هنرمندان مادر جبهه‌های دفاع مقدس‌مان اینگونه بودند تا به ملأ‌اعلا شتافتند و برای خدا و عزت و سعادت مردمشان جنگیدند

**هنر در مدرسه عشق  
نشان‌دهنده نقاط کور و مبهم  
معضلات اجتماعی، اقتصادی،  
سیاسی، نظامی است. هنر در  
عرفان اسلامی ترسیم روشن  
عدالت و شرافت و انصاف و  
تجسیم تلخ‌کامی گرسنگان  
مغضوب قدرت و پول است.**

و در راه پیروزی اسلام عزیز، تمام مدعیان هنر بی‌درد را رسوا نمودند. خدایشان در جوار رحمت خویش محسورشان گرداند...  
۶۷/۶/۳۰. روح‌الله موسوی خمینی. ۶.

پی‌نوشت‌ها:

۱. صحیفه امام، ج ۶، ص ۱۵.
۲. همان، ج ۲۱، ص ۱۷.
۳. همان، ج ۵، ص ۲۶۳.
۴. همان، ج ۱۹، ص ۱۶۰.
۵. همان، ج ۴، ص ۳۵.
۶. همان، ج ۲۱، ص ۱۴۶. پیام [به هنرمندان و خانواده شهدا] (تجلیل از هنر و هنرمندان متعهد).